گفت‌وگوی جام جم با ۲ پزشکی که هزینه میلیونی درمان بیمار ۶ ساله‌شان را پرداخت کردند

نسخه مهربانی

مینا مولایی

جامعه

حالا که بحث حضور مهاجران تبعه افغان در کشورمان داغ شده، حالا که خیلی‌ها با دلخوری از صحبت‌های عباس عراقچی، معاون امور سیاسی وزارت خارجه کشورمان می‌گویند؛ صحبت‌هایی که ما حصلش با چند اما و اگر به خروج این مهاجران از ایران می‌رسد، درست همین جا و سر همین حرف‌ها که دل خیلی‌ها را شکست، ما شاهدی می‌آوریم که بگوییم چنین حرف‌هایی حرف مردم نیست. ناز بی‌بی شش ساله، دختر مهاجر غیرقانونی افغان شاهد حرف ماست؛ دختربچه‌ای که روزهای ابتدایی اسفند ۹۷ به خاطر عفونت شدید و شکستگی استخوان ران راهی بیمارستان امام علی(ع) چابهار شد و در آخرین روزهای فروردین ۹۸، بعد از حدود دو ماه بستری با تنی سالم بیمارستان را ترک کرد. ماجرای درمان ناز بی‌بی نورزهی اما گره می‌خورد به محبت و مهربانی کادر درمانی‌اش؛ دو پزشک متخصصی که در نامه‌ای به مدیریت بیمارستان چابهار خواسته‌اند هزینه درمان این کودک بیمار افغان از حق‌الزحمه دریافتی آنها از بیمارستان کسر شود؛ اتفاقی که باعث شد حالا خیلی‌ها دکتر شهریار نورمحمدی و دکتر مسرور قاسم‌اف دو پزشک متخصص اطفال بیمارستان امام علی(ع) چابهار را بشناسند.

برای این دو پزشک ناز بی‌بی یک بیمار بود مثل بیمارهای دیگر، همه آن بچه‌هایی که فارغ از جنسیت و ملیت و شرایط مادی، بحث درمانی‌شان به این دو نفر سپرده می‌شود. دکتر قاسم‌اف درباره این بیمار می‌گوید: ناز بی‌بی به‌خاطر عفونت و شکستگی استخوان به بیمارستان مراجعه کرد، در بخش ارتوپدی بستری شد و من هم اولین‌بار او را در همین بخش دیدم، اما به خاطر این‌که باید یک‌سری داروها را دریافت می‌کرد و بعد روال درمانی‌اش شروع می‌شد او را به بخش اطفال منتقل کردیم.

چیزی که باعث شد شرایط ناز بی‌بی متفاوت‌تر از بقیه باشد، وخامت حال او بود. چراکه درمان شکستگی استخوان و عفونتی که در بدن این دختربچه به‌طور همزمان وجود داشت، احتیاج به زمان طولانی‌تری داشت و این یعنی این دختربچه شش ساله باید مدت طولانی‌تری در بیمارستان بستری می‌شد، اما بزرگ‌ترین مشکل ناز بی‌بی همین‌جا خودش را به کادر پزشکی نشان داد. این دختربچه بیمه درمانی نداشت و خانواده‌اش هم توان پرداخت هزینه درمانش را نداشتند؛ اتفاقی که در نهایت به یک تصمیم خوب و یک حرکت مثبت در این بیمارستان منجر شد.

دکتر قاسم‌اف درباره این تصمیم می‌گوید: بیمار با تشخیص کادر پزشکی بستری شد و همزمان کادر ارتوپدی و همکاران جراح او را تحت نظر داشتند و ما هم از نظر دارویی پروسه درمانش را ادامه می‌دادیم تا این‌که بعد از حدود دو ماه بستری، حال عمومی ناز بی‌بی بهتر شد.

همیاری برای کمک به ناز بی‌بی

۱۷ میلیون تومان! این رقمی بود که برای درمان ناز بی‌بی در طول دو ماه هزینه شده بود و حالا باید خانواده‌اش آن را پرداخت می‌کردند؛ مبلغی که پرداخت آن از عهده خانواده ناز بی‌بی خارج بود و همین موضوع در نهایت به یک تصمیم جالب توسط پزشکان این بیمارستان رسید؛ از آن تصمیم‌های حال خوب کنی که خیلی‌ها شنیدند و یک لبخند درشت روی لب‌شان نشست؛ دکتر قاسم‌اف در توضیح بیشتر می‌گوید: وقتی هزینه کل درمان ناز بی‌بی اعلام شد ما با همکاران صحبت کردیم و در آخر به این نتیجه رسیدیم که همه ما یعنی از کادر ارتوپدی گرفته تا بیهوشی تا اطفال و جراحی و... ویزیت‌ها، مشاوره‌ها، حق‌الزحمه‌های روزانه و... را برای ناز بی‌بی حذف کنیم که با حذف اینها هزینه درمان این دختربچه به ۱۱ میلیون تومان رسید که این بخش باقیمانده دیگر قابل حذف نبود، چراکه شامل هزینه هتلینگ بیمارستان و دارو و لوازم مصرفی و... بود.

پرداخت مبلغ جدید هم چیزی نبود که از عهده خانواده این مهاجر افغان بربیاید، همین جا بود که دکتر قاسم‌اف و دکتر نورمحمدی با هم نشستند و نامه‌ای نوشتند که حالا تصویرش در خیلی جاها منتشر شده؛ نامه‌ای خطاب به مدیریت بیمارستان که این روزها مدام در فضای مجازی دست به دست می‌شود. این دو پزشک خیر و نیکوکار کشورمان از مدیریت بیمارستان‌شان خواستند تا باقیمانده هزینه درمان را از حق‌الزحمه ماهانه آنها کم کند؛ موضوعی که مورد موافقت قرار گرفت و در نهایت ناز بی‌بی در آخرین روز فروردین از بیمارستان مرخص شد.

یک پزشک تاجیکستانی در ایران

دکتر قاسم‌اف همان‌طور که از نام خانوادگی‌اش مشخص است، اصالتی تاجیکستانی دارد و با این حال از چهار سال پیش که برای گذراندن دوره طرحش به چابهار رفته، در این شهر ماندگار شده و حالا حالاها خیال برگشتن از چابهار را ندارد. درباره انگیزه این تصمیم که می‌پرسیم به ما می‌گوید: من دو سال اول را به واسطه دوره طرحم اینجا بودم، اما به خاطر این‌که با شرایط اینجا و مردمش آشنا شدم، تصمیم گرفتم که ادامه فعالیت و خدمتم هم در همین فضا باشد؛ چون از نظر من لذت خدمت در مناطق محروم بیشتر از جاهای دیگر است.

کار در مناطق محرومی مثل چابهار به گفته این پزشک با بقیه شهرها متفاوت است؛ تفاوتی که از همان ماه اول خودش را نشان می‌دهد و پزشک کم‌کم می‌فهمد کسی که برای درمان به او مراجعه کرده به‌جز رنج بیماری، درد دیگری هم دارد: اینجا خیلی‌ها مشکل مالی دارند، البته خیلی‌ها به‌طور مستقیم به این موضوع اشاره نمی‌کنند، اما مثلا وقتی می‌گویند دکتر یک دارویی بنویس که ارزان‌تر باشد، یا این‌که می‌شود این داروها را سر ماه بخرم یا این‌که دو هفته دیگر آزمایش بدهم؟ ما می‌فهمیم که بحث مشکل مالی در میان است.

دکتر قاسم‌اف درباره هدفش از انجام کار خیری که حالا رسانه‌ای شده، به ما می‌گوید: اولین هدف این بود که درد بیمارمان کم شود، چون واقعا شرایط سختی داشت. دومین هدف هم این بود که این کار تلنگری بشود برای بقیه افراد خیر. چراکه در مناطقی مثل چابهار فقط بحث بهداشت و درمان به همت خیرین نیاز ندارد و واقعا مشکلات مثل یک زنجیره هستند و باید برای حل آنها هم همه پا پیش بگذارند. ما شاید بتوانیم در بحث بهداشت و درمان‌شان یک کاری انجام بدهیم، اما این کار وقتی کامل می‌شود که بقیه هم وارد گود شوند و مشکلات دیگر را هم سروسامان بدهند.

شهریار چابهار

محال است در چابهار کسی دکتر شهریار نورمحمدی را نشناسد؛ متخصص کودکانی که حالا سابقه حضورش در این منطقه ۲۰ ساله شده است. مهر و امضای این پزشک در این ۲۰ سال پای نسخه‌های زیادی خورده، رنج بیماری از تن بیماران زیادی با مهارتش التیام پیدا کرده و حالا تعداد زیادی از بیمارانش فرزند همان کودکانی هستند که او قبلا مداوا کرده. دکتر نورمحمدی پزشکی است که می‌گوید اهل ایران است و وقتی از او درباره ریشه‌اش می‌پرسیم، با خنده می‌گوید؛ آن چیزی که ریشه دارد درخت است، من نیلوفرآبی هستم. خیلی جاهای ایران هم بودم، اما الان ۲۰ سال است که چابهارم یعنی از وقتی برای گذراندن طرحم به این منطقه آمدم، ماندم و این بین تخصصم را هم گرفتم و ماندگار شدم.

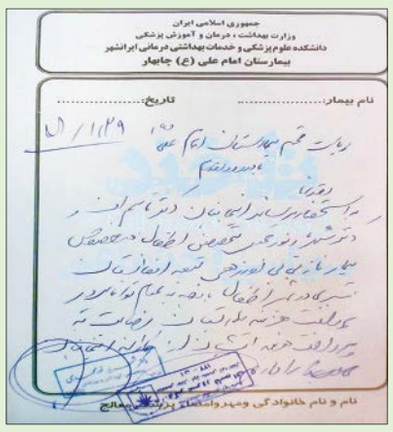

جمهوری اسلامی ایران
وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایرانشهر
بیمارستان امام علی (ع) چابهار

نام بیمار..... تاریخ.....

نام و نام خانوادگی و مهر و امضای پزشک

حضور ۲۰ ساله این پزشک متخصص در چابهار با این‌که حالا با ماجرای ناز بی‌بی شش ساله رسانه‌ای شده، اما حکایت کارهای خیر او رشته‌ای است که سر دراز دارد.

او برای بیماران زیادی، همان پزشکی است که در مطبش ویزیت نمی‌گیرد؛ متخصصی که هوای نیازمندها را دارد. موضوعی که درباره‌اش می‌گوید: وقتی شما ۲۰ سال در یک منطقه محروم حضور داشته باشی، دیگر انگیزه مادی بخش کوچکی از زندگی‌ات می‌شود.

انسان بخشی از گرایش‌ها را از محیط کسب می‌کند و من هم تحت تاثیر این محیط قرار گرفته‌ام. این‌که در مقابل مردم این منطقه بخواهم انگیزه مادی داشته باشم واقعا از اخلاق انسانی به دور است. حالا اسمش را بگذاریم حس انسان‌دوستی یا میل و اراده به انجام کار خیر یا هرچیز دیگری؛ از نظر من وقتی در این شرایط قرار گرفته‌ای، این دیگر یک جور وظیفه است که باید انجامش بدهی.

چه چیزی دکتر نورمحمدی را در چابهار ماندگار کرده؟ خودش می‌گوید، جوابی برای این سؤال ندارد. بعد توضیح می‌دهد که شاید دست سرنوشت باشد یا شانس و اقبال یا شاید هم یکی آن بالا نشسته و همه اتفاق‌ها را جوری چیده که گذر او به چابهار بیفتد.

حالا از وقتی نامه کمک او و دکتر قاسم‌اف به بیمارشان در فضای مجازی منتشر شده، خیلی‌ها نسبت به این موضوع واکنش نشان داده و به خاطر این کار خیر به این دو پزشک دست مریزاد گفته‌اند: از مشهد، تهران، تبریز حتی هلند و کانادا چند نفری زنگ زدند و گفتند چه کار خوبی کردید، خدا خیرتان بدهد.

گفتند، با این کارتان اسم چابهار را همه‌جا مطرح کردید و چقدر نیاز است که توجه بقیه به مناطق محروم جلب شود.

حق با شماست

info@jamejamonline.ir

روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲

#پلیس_جوادیه

آزاد از تهران:

از نیروی انتظامی خواهشمندم تا برخوردی قاطع با موادفروشان خیابان جوادیه داشته باشد، چرا که علاوه بر عمل غیرقانونی باعث مزاحمت شهروندان نیز می‌شوند.

#چای_بی‌کیفیت

صنعتی از لاهیجان:

با وجود ظرفیت بالای تولید چای در کشور، ولی چای وارداتی و بی‌کیفیت همچنان وارد و با قیمت‌های گزاف به مردم عرضه می‌شود.

#وام_رهن

کوثری از تهران:

وام‌های خرید مسکن که بانک‌ها به مشتریان پرداخت می‌کنند فقط جوابگوی رهن و اجاره خانه است و بهتر است نام آن به وام اجاره مسکن تغییر کند.

#گرانی_باروری

زهدی از تهران:

با توجه به گرانی و هزینه بالای نگهداری فرزند، شعار افزایش جمعیت کمرنگ شده و زوج‌های جوان اشتیاقی برای فرزندآوری ندارند.

#چنار_ولیعصر

شکریان از تهران:

سنگفرش کردن جوی آب حاشیه خیابان ولیعصر(عج) در سال‌های گذشته سبب خشک شدن تدریجی درخت‌های چنار این خیابان منجر شده و امیدوارم برای ساماندهی این درختان اقدامی اساسی صورت گیرد.

#مترو_شارژ

نصیری از تهران:

با توجه به افزایش قیمت کرایه و بلیت مترو و اتوبوس از مسؤولان محترم مترو درخواست می‌شود مبلغ‌های پیشنهادی روی دستگاه‌های کارت شارژ الکترونیکی را افزایش دهند، چراکه با این مبالغ هر روز باید اقدام به شارژ کارت‌ها کنیم.

#سروصدا_مترو

بابایی از تهران:

قطارهای قدیمی مترو هنگام ترمز کردن در ایستگاه‌ها صدایی گوشخراش و بسیار ناخوشایند به‌وجود می‌آورند که باعث اذیت شدن مسافران می‌شود.

#آسفالت_فردیس

زاهدی از کرج:

پل فردیس به سمت کرج آسفالت بسیار نامناسبی دارد و باعث کندی تردد و صدمه به خودروها می‌شود.

ضرورت آموزش مشارکت اجتماعی به کودکان

همه انسان‌ها به‌واسطه حضورشان در یک جامعه با همدیگر کنش متقابل دارند، به این کنش متقابل انسان‌ها با یکدیگر، رفتار اجتماعی می‌گویند؛ این رفتار اجتماعی می‌تواند جهتگیری خاصی داشته باشد، مثبت باشد و در جهت رشد و تعالی یک جامعه باشد یا منفی باشد و جامعه را رو به زوال ببرد.

از نگاه جامعه‌شناسی، یکی از مشخصه‌های اصلی در بحث جهتگیری مثبت رفتار اجتماعی، سنجش میزان مشارکت شهروندان در آن جامعه است؛ مشارکت چه در بحث سیاسی، چه اقتصادی، چه فرهنگی و اجتماعی به حضور، همیاری، هم‌اندیشی و همراهی تک‌تک افراد جامعه نیاز دارد. مشارکتی که در ابعاد مختلف می‌تواند خودش را نشان بدهد، چه در بحث تصمیم‌گیری، چه در عمل و چه در اجرا و نظارت بر اجرا. در مجموع آثار مثبت و مزایای مشارکت اجتماعی شهروندان در جامعه آن‌قدر زیاد است که نمی‌توان از آن چشم پوشید.

درحقیقت مردم یک جامعه با افزایش مشارکت اجتماعی‌شان در امور و رویدادهای مختلف این پیام را می‌دهند که نسبت به سرنوشت‌شان بی‌تفاوت نیستند و قبول دارند که در امور مختلف جاری در جامعه، آنها هم مسؤولیتی به‌عهده دارند. از این نظر، فقدان مشارکت اجتماعی شهروندان در یک جامعه، نشان‌دهنده بی‌تفاوتی آنها نسبت به سرنوشت‌شان است. صرفا تماشاگر رویدادها و امور نیستند و با حضورشان جامعه را زنده نگه می‌دارند.

در این بین یکی از مهم‌ترین اولویت‌های جوامع امروزی، افزایش مشارکت همه اقشار جامعه در فعالیت‌های اجتماعی است. از آنجا که سال‌های نخست زندگی آثار ماندگاری بر زندگی فرد دارد، تدابیر آموزشی نه‌تنها بر چگونگی رشد کودک، بلکه بر نحوه پیشرفت هر کشور هم تاثیر می‌گذارد و آموزش مشارکت اجتماعی به کودکان همینجاست که اهمیت پیدا می‌کند.

روان‌شناسان هم معتقدند ۷ تا ۱۱ سالگی بهترین زمان برای آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان است، چراکه آنها در این دوره هیچ‌گونه تعارض درونی و برون‌روانی ندارند. به عبارت دیگر، آنها تعارضات دوره کودکی را پشت سر گذاشته‌اند و هنوز با تعارضات دوره بلوغ روبه‌رو نشده‌اند و بهتر می‌توانند آموزش ببینند، در نتیجه برای داشتن یک جامعه با مشارکت حداکثری در آینده، می‌توان از همین امروز نسلی را تربیت کرد که نسبت به جامعه‌اش دغدغه‌مند باشد.